بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

با سلام و خدا قوت خدمت قرآن پژوهان عزیز

انشالله شرکت در دوره روشهای تدبر قرآن به قرآن باور ما را به کافی بودن قرآن در زندگی تقویت کرده و ما را در رجوع به قرآن یک‍پارچه ارتقا داده باشد.

همانطور که مستحضر هستید ما در انتهای این دوره لازم است برای ارزیابی خود چند مورد را احراز کنیم. برای آشنایی با این موارد می توانیم از جدول زیر استفاده نماییم.

|  |
| --- |
| شاخص ها |
| خواندن رفت و برگشتی میان آیه‌های قرآن موضوعیت پیدا کند، چون می‌تواند به دستاوردهایی برسد.  |
| بتوان پیوند بخشی از یک سوره یا همه آن را در بخشی از سوره دیگر نشان داد. و جنبه این پیوند را به درستی مشخص کرد.  |
| بتوان محتوای بخشی از یک سوره را به کمک آیاتی دیگر از قرآن شرح و بسط داد.  |
| بتوان برای تفکر در یک موضوع، دو یا چند سوره را معرفی کرد که می‌تواند نقشه راهی درباره آن موضوع ارائه دهند.  |

ممکن است شما در خلال دروس کتاب به ویژه دروس زوجیت و تفصیل حقلیق توانسته باشید موارد فوق را احراز نمایید؛ در این صورت همین کفایت می کند؛ لیکن ممکن است تمایل به ارزیابی خود در یک سوره دیگر و دریافت بازخورد از بیرون داشته باشید، در این صورت می توانید در آزمون زیر شرکت نمایید.

**الف-** برای آشنایی با فضای کلی سوره مبارکه حدید ابتدا فایل پیوست اول را که سوره و ترجمه ی آن و بخش هایی از تفسیر المیزان در بیان آیات سوره است، مطالعه نمایید.

**ب-** در این آزمون بناداریم آیه ای از سوره مبارکه حدید را انتخاب کرده و به کمک آیات دیگر از قرآن آن را شرح و بسط داده و پیوند بخشی از این سوره را در همه یا بخشی از سوره دیگر نشان دهیم لذا گام های زیر را برای این هدف در نظر می گیریم:

1) از آنجایی که باب ورود به قرآن بر اساس سوال و نیاز است بر این اساس آیه ای از سوره مبارکه حدید را برای تحقیق انتخاب میکنیم و ارتباط این آیه را با آیات دیگر کشف می کنیم.

2) با جستجوی عبارت مورد نظر آیات دیگری از قرآن می یابیم و از آنها در رابطه با فهم حقیقت مورد نظر کمک می گیریم

3) هر یک از آیات بدست آمده را در کنار آیه مورد تحقیق از سوره حدید قرار داده ، تحلیل کرده و جنبه های دیگری از این حقیقت آشکار می شود

4) یک سوره به عنوان زوج سوره انتخاب کرده به گونه ای که موضوع اصلی آیه ی مورد تحقیق را در بر بگیرد .(انتخاب یکی ازسوره های آیات حاصل از مرحله 2 )

5) مطالعه سوره با رویکرد موضوع آیه ی مورد تحقیق

6) جمع بندی و نتیجه­گیری برای پاسخ­های استخراج شده به نیاز و تلاش و طرح عملیاتی کردن آن و خروجی اجتماعی از آن

**توجه: انتخاب آیه ی مورد تحقیق از سوره مبارکه حدید اختیاری است اما افرادی که موضوع زیر نیز سوال شان است می توانند با این نیاز وارد مراحل کار شوند.**

* سوالات:

1 . یکی از حقایق مورد توجه در سوره حدید آیه 22(ما أَصابَ مِنْ مُصيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لا في‏ أَنْفُسِكُمْ إِلاَّ في‏ كِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها إِنَّ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسيرٌ) **اصابت مصیبت ها** می باشد ارتباط این آیه با بخش های دیگر این سوره چیست؟ (می توانید جهت مطالعه توضیح این آیه از تفسیر المیزان به پیوست 2مراجعه بفرمایید )

2. آیات حاصل از جستجوی اصابت مصیبت در قرآن را با ذکر سوره و شماره آیه و نکته ای از آیه درباره موضوع اصابت مصیبت بنویسید ؟(راهنمایی: تعداد آیات حاصل از جستجو ده آیه است و برای نوشتن نکته به آیات قبل و بعد از آن هم دقتی داشته باشید)

|  |  |
| --- | --- |
| آیه | نکات |
|  |  |
|  |  |
|  |  |
|  |  |
|  |  |
|  |  |
|  |  |
|  |  |
|  |  |
|  |  |

3. موضوع مصیبت در آیه 22 سوره مبارکه حدید را به کمک جدول فوق شرح و بسط دهید؟

4. سوره مبارکه تغابن را مطالعه کرده ، سیر موضوعات و غرض آن را در نظر بگیرید. چه موضوعاتی از دو سوره تغابن و حدید به هم پیوند می خورند ؟

5- ارتباط موضوع مصیبت را در این سوره با سایر موضوعات و غرض سوره مشخص نمایید.

۵- با کنار هم گذاشتن به موضوعات و غرض دو سوره مبارکه حدید و تغابن و جایگاه مصیبت در آنها این موضوع را در این دو سوره مقایسه نمایید.

۶. نتیجه و جمع بندی خود را از تحقیق درباره این موضوع بنویسید و چه راهکاری برای ارتقای آن در باور و عمل دارید؟

بسم الله الرحمن الرحیم

**پیوست 1**

|  |  |
| --- | --- |
| **آیات سوره مبارکه حدید** | **ترجمه** |
| بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ (1) | به نام خداى رحمان و رحيم.آنچه در آسمانها و زمين است براى خدا تسبيح مى‏گويند به خاطر اينكه او عزيز و حكيم است (1). |
| لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يُحْيي‏ وَ يُميتُ وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَديرٌ (2) | ملك آسمانها و زمين از آن او است، او زنده مى‏كند و مى‏ميراند و او بر هر چيزى توانا است (2). |
| هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْباطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَليمٌ (3) | او اول و آخر و ظاهر و باطن است، و او به هر چيزى دانا است (3). |
| هُوَ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ في‏ سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوى‏ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ ما يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ ما يَخْرُجُ مِنْها وَ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما يَعْرُجُ فيها وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ ما كُنْتُمْ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ (4) | او كسى است كه آسمانها و زمين را در شش روز بيافريد، و سپس بر عرش (مقام صدور اوامر) مستولى گشت، و به تدبير امر عالم پرداخت، او مى‏داند چه قطره آبى، و چه تخم گياهى داخل زمين شد و چه گياهى سر از زمين بدر آورد، چه شعاعى از آفتاب به زمين تابيد، و چه فرشته‏اى نازل و چه فرشته‏اى از زمين برگشت، چه بخارى از زمين بالا رفت و چه عملى از بندگان صعود كرد، و او با شما است، هر جا كه باشيد، و خدا به آنچه مى‏كنيد بينا است (4). |
| لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (5) | ملك آسمان‏ها و زمين از آن او است، و بازگشت همه امور به سوى خداست (5). |
| يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَ يُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ وَ هُوَ عَليمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ (6) | او است كه شب را در روز فرو مى‏برد، و روز را داخل در شب مى‏كند، و او بدانچه در خاطرها و دلها است آگاه است (6). |
| آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفينَ فيهِ فَالَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبيرٌ (7) | به خدا و رسولش ايمان آوريد، و از آنچه ما از دست ديگران گرفته به شما داديم انفاق كنيد، پس كسانى كه از شما ايمان بياورند و انفاق كنند اجرى بزرگ خواهند داشت (7). |
| وَ ما لَكُمْ لا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَ قَدْ أَخَذَ ميثاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ (8) | و چرا به خدا و رسول ايمان نياوريد، با اينكه رسول شما را مى‏خواند به اينكه به پروردگارتان ايمان بياوريد، و با اينكه او از شما پيمان گرفته بود، اگر به پيمان خود ايمان داريد (8). |
| هُوَ الَّذي يُنَزِّلُ عَلى‏ عَبْدِهِ آياتٍ بَيِّناتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَ إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُفٌ رَحيمٌ (9) | او کسی است که آیاتی روشن بر بنده خود نازل کرد تا شما را از ظلمت ها به سوی نور بیرون کند و به درستی خدا نسبت به شما رئوف و رحیم است(9).  |
| وَ ما لَكُمْ أَلاَّ تُنْفِقُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ ميراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا يَسْتَوي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَلَ أُولئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قاتَلُوا وَ كُلاًّ وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنى‏ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ (10) | و چرا بايد در راه خدا انفاق نكنيد؟! با اينكه ميراث آسمانها و زمين از آن خدا است، و از شما آنان كه قبل از فتح انفاق كردند و كارزار نمودند با ديگران برابر نيستند، آنان درجه‏اى عظيم‏تر دارند، تا كسانى كه بعد از فتح انفاق نموده و كارزار كردند، البته خدا به هر دو طايفه وعده احسان داده، و خدا به آنچه مى‏كنيد آگاه است (10). |
| مَنْ ذَا الَّذي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَريمٌ (11) | آن كيست كه قرض خوبى به خدا دهد، و خدا آن را برايش مضاعف كند، و خدا اجرى ارجمند دارد (11). |
| يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ يَسْعى‏ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْديهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ بُشْراكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ (12) | و آن در روزى است كه مردان و زنان مؤمن را مى‏بينى كه نورشان از پيش رو و از دست راستشان در حركت است، بشارت باد شما را در امروز به جناتى كه نهرها از دامنه‏اش روان است، و شما در آن جاودانيد، و اين خود رستگارى عظيم است (12). |
| يَوْمَ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الْمُنافِقاتُ لِلَّذينَ آمَنُوا انْظُرُونا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قيلَ ارْجِعُوا وَراءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُوراً فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بابٌ باطِنُهُ فيهِ الرَّحْمَةُ وَ ظاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذابُ (13) | و در روزى است كه مردان و زنان منافق به مردم با ايمان بگويند: كمى مهلت دهيد تا برسيم، و از نور شما اقتباس كنيم. به ايشان گفته مى‏شود به عقب برگرديد، به زندگى دنيايتان، و از آنجا نور بياوريد، در همين هنگام است كه ديوارى ميان اين دو طايفه زده مى‏شود كه در باطنش (طرف مؤمنين) رحمت و در ظاهرش (سمت منافقين) عذاب است (13). |
| يُنادُونَهُمْ أَ لَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قالُوا بَلى‏ وَ لكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّتْكُمُ الْأَمانِيُّ حَتَّى جاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ (14) | منافقين به مؤمنين مى‏گويند كه مگر ما با شما نبوديم؟ جواب مى‏دهند: چرا بوديد و ليكن شما خود را فريفتيد و هلاك كرديد، چون همواره در انتظار گرفتاريها براى دين و متدينين بوديد، و در حقانيت دين شك داشتيد، و آرزوى اينكه به زودى نور دين خاموش مى‏شود شما را مغرور كرد، تا آنكه مرگتان رسيد، و بالأخره شيطان شما را به خدا مغرور كرد (14). |
| فَالْيَوْمَ لا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَ لا مِنَ الَّذينَ كَفَرُوا مَأْواكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلاكُمْ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ (15) | در نتيجه ديگر امروز از شما و از كفار فديه و عوض پذيرفته نمى‏شود، منزلگاهتان آتش و سرپرست شما همان است، كه بازگشت گاهى بس بد است (15). |
| أَ لَمْ يَأْنِ لِلَّذينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ ما نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لا يَكُونُوا كَالَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ (16) | آيا وقت آن نشده آنان كه ايمان آورده‏اند دلهايشان به ذكر خدا و معارف حقى كه نازل كرده نرم شود؟ و مانند اهل كتاب كه پيش از اين مى‏زيستند نباشند، ايشان در اثر مهلت زياد دچار قساوت قلب شده بيشترشان فاسق شدند (16). |
| اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (17) | بدانيد كه خدا است كه زمين را بعد از مردنش زنده مى‏كند، ما آيات را برايتان بيان كرديم تا شايد تعقل كنيد (17). |
| إِنَّ الْمُصَّدِّقينَ وَ الْمُصَّدِّقاتِ وَ أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَريمٌ (18) | به درستى مردان و زنانى كه صدقه مى‏دهند و به خدا قرضى نيكو مى‏دهند پاداششان مضاعف خواهد شد، و اجرى ارجمند دارند (18). |
| وَ الَّذينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ وَ الَّذينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا أُولئِكَ أَصْحابُ الْجَحيمِ (19) | و كسانى كه به خدا و رسولان او ايمان آوردند ايشان نزد پروردگارشان همان صديقين و شهدا هستند، و اجر و نور آنان را دارند، و كسانى كه كافر شده آيات ما را تكذيب كردند، ايشان اصحاب دوزخند (19). |
| اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَياةُ الدُّنْيا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زينَةٌ وَ تَفاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكاثُرٌ فِي الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَباتُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَراهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطاماً وَ فِي الْآخِرَةِ عَذابٌ شَديدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوانٌ وَ مَا الْحَياةُ الدُّنْيا إِلاَّ مَتاعُ الْغُرُورِ (20) | بدانيد كه زندگى دنيا بازيچه و لهو و زينت و تفاخر بين شما و تكاثر در اموال و اولاد است مثل آن بارانى است كه كفار از روييدن گياهانش به شگفت درآيند، و گياهان به منتها درجه رشد برسند، در آن هنگام به زردى گراييده خشك مى‏شوند، دنياى كفار نيز چنين است، البته در آخرت عذاب شديدى است، و هم مغفرت و رضوانى از ناحيه خداست، و زندگى دنيا جز متاعى فريبنده نمى‏باشد (20). |
| سابِقُوا إِلى‏ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُها كَعَرْضِ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ (21) | به سوى مغفرتى از پروردگارتان و بهشتى كه عرض آن چون عرض آسمان و زمين است بشتابيد، كه براى كسانى آماده شده كه به خدا و رسولان او ايمان آوردند، و اين فضلى است از خدا كه به هر كس بخواهد مى‏دهد، و خدا داراى فضلى عظيم است (21). |
| ما أَصابَ مِنْ مُصيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لا في‏ أَنْفُسِكُمْ إِلاَّ في‏ كِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها إِنَّ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسيرٌ (22) | هيچ مصيبتى در زمين و نه در نفس خود شما به شما نمى‏رسد مگر آنكه قبل از اينكه آن را حتمى و عملى كنيم در كتابى نوشته شده بود، اين براى خدا آسان است (22). |
| لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى‏ ما فاتَكُمْ وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ (23) | اين را بدان جهت خاطر نشان ساختيم تا ديگر از آنچه از دستتان مى‏رود غمگين نشويد، و به آنچه به شما عايد مى‏گردد خوشحالى مكنيد، كه خدا هيچ متكبر و فخرفروش را دوست نمى‏دارد (23). |
| الَّذينَ يَبْخَلُونَ وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَميدُ (24) | همانهايى كه بخل مى‏ورزند، و مردم را هم به بخل وا مى‏دارند، و كسى كه از انفاق اعراض كند بايد بداند كه خداى تعالى بى‏نيازى است كه تمامى اعمالش ستوده است (24) |
| لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْميزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَديدَ فيهِ بَأْسٌ شَديدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزيزٌ (25) | (و چگونه از انفاق شانه خالى مى‏كنيد؟) با اينكه ما رسولان خود را همراه با معجزات روشن گسيل داشتيم، و با ايشان كتاب و ميزان نازل كرديم تا مردم را به عدالت خوى دهند، و آهن را كه نيروى شديد در آن است و منافع بسيارى ديگر براى مردم دارد نازل كرديم، تا با سلاحهاى آهنين از عدالت دفاع كنند، و تا خدا معلوم كند چه كسى خدا و فرستادگان او را نديده يارى مى‏كند، آرى خدا خودش هم نيرومند و عزيز است (25). |
| وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً وَ إِبْراهيمَ وَ جَعَلْنا في‏ ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْكِتابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ (26) | و با اينكه نوح و ابراهيم را فرستاديم، و نبوت و كتاب را در ذريه او قرار داديم، در عين حال بعضى از آنان راه يافته و بسيارى از ايشان فاسق شدند (26). |
| ثُمَّ قَفَّيْنا عَلى‏ آثارِهِمْ بِرُسُلِنا وَ قَفَّيْنا بِعيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْناهُ الْإِنْجيلَ وَ جَعَلْنا في‏ قُلُوبِ الَّذينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبانِيَّةً ابْتَدَعُوها ما كَتَبْناها عَلَيْهِمْ إِلاَّ ابْتِغاءَ رِضْوانِ اللَّهِ فَما رَعَوْها حَقَّ رِعايَتِها فَآتَيْنَا الَّذينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ (27) | به دنبال آن رسولان خود را گسيل داشتيم، و عيسى بن مريم را فرستاديم، و به او انجيل داديم، و در دل پيروانش رأفت و رحمت و رهبانيتى قرار داديم كه خود آنان بدعتش را نهاده بودند، و ما بر آنان واجب نكرده بوديم، اما منظور آنان هم جز رضاى خدا نبود، اما آن طور كه بايد رعايت آن رهبانيت را نكردند، و در نتيجه به كسانى كه از ايشان ايمان آورده بودند، اجرشان را داديم و بسيارى از ايشان فاسق شدند (27). |
| يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحيمٌ (28) | اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، به اين پايه از ايمان اكتفاء نكنيد، تقوا پيشه كنيد، و به رسول او ايمان بياوريد، تا دوباره رحمت خود را به شما بدهد، و برايتان نورى قرار دهد كه با آن زندگى كنيد، و شما را بيامرزد و خدا آمرزگار و رحيم است (28). |
| لِئَلاَّ يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتابِ أَلاَّ يَقْدِرُونَ عَلى‏ شَيْ‏ءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ (29) | اين بدان جهت بود كه اهل كتاب نپندارند كه مؤمنين به اسلام، راهى به فضل خدا ندارند، و اينكه بدانند كه فضل به دست خداست، آن را به هر كس بخواهد مى‏دهد، و خدا داراى فضلى عظيم است (29). |

آیات 1تا 6

غـرض ايـن سـوره تحريك و تشويق مؤ منين به انفاق در راه خداست ، همچنان كه تكرار امر صـريـح بـه اين معنا در خلال آياتش اشعار بدان دارد، يكجا مى فرمايد: امنوا باللّه و رسـوله و انـفـقـوا مـمـا جـعـلكـم مـستخلفين فيه ... و جاى ديگر مى فرمايد: من ذا الذى يقرض اللّه قرضا حسنا... و باز جاى ديگر مى فرمايد: ان المصدقين و المصدقات و اقـرضـوا اللّه قـرضـا حـسـنـاو در تـشـويـق مـردم بـه ايـن عمل همين بس كه انفاق مردم را قرض دادن آنان خداى عزّ اسمه دانسته ، و معلوم است كه خداى عزوجل عالى ترين و مقدس ‍ ترين و بهترين مطلوبست ، او هرگز خلف وعده نمى كند، و او وعـده شـان داده كـه اگر به وى قرض بدهند مضاعف و چند برابر بر مى گرداند، و نيز وعده داده كه در عوض انفاقشان اجرى كريم و بسيار زياد بدهد.
و نـيـز اشـاره كـرده بـه ايـن كـه ايـن انـفـاق مـنـشـاش تـقـوا و ايـمـان بـه رسـول اسـت ، و اثـر آمرزش گناهان و داشتن دو برابر از رحمت و ملازمت با نور، و بلكه ملحق شدن به صديقين و شهداء در نزد خداى سبحان است .
و در خـلال آيـات سـوره مـعارفى هم راجع به مبداء و معاد آمده ، و دعوت به تقوا و اخلاص ايمان و زهد دارد، و نيز مشتمل بر مواعظى است .

آیات 7 تا 15

در ايـن آيات دستور موكد مى دهد به اين كه مسلمين در راه خدا ودر جهاد انفاق كنند، و از آيه شـريـفه لا يستوى منكم من انفق من قبل الفتح به خوبى برمى آيد كه دستور مذكور در مـورد جـهـاد مـؤ كـدتـر است ، و همين خود مويد آن قولى است كه مى گويد: آيه شريفه امـنـوا بـاللّه و رسـوله و انـفـقـوا... در جـنـگ تـبوك نازل شد.

آیات 16 تا 24

يـن قـسـمـت از آيـات سـوره هـمـان هـدف و غـرضـى را دنـبـال مـى كـنـد كـه قـسـمت قبلى دنبال مى كرد، و آن تشويق و ترغيب به ايمان به خدا و رسـول او و انـفـاق در راه خـدا بـود، البته در ضمن ، مؤ منين را عتاب مى كند كه چرا بايد علائم و نشانه هايى از قساوت قلب از ايشان بروز كند، و به منظور تاءكيد در تحريك و تشويق انفاق درجه انفاقگران نزد خدا را بيان نموده ، و با اين لحن دستور به انفاق مى دهـد. كـه : هـان ! بـشـتـابـيـد بـه مـغـفـرت و جـنـت . و نـيـز دنـيـا و اهـل دنـيـا رابـخـل مـى ورزنـد، و مـردم را هـم بـه بـخـل مـى خـوانـنـد مـذمـت مـى كـنـد. و در خـلال آيـات ، نـاگـهـان سـيـاق را كـه مـخـصـوص مـسـلمـانـان بـود بـه سياقى تغيير داده شامل مسلمين و اهل كتاب هر دو بشود، و به زودى توضيحش ‍ خواهد آمد.

آیات 25 تا 29

خـداى تـعـالى پـس از اشـاره قـسـاوتى كه دلهاى مؤ منين را فرا گرفته ، و در نتيجه در امـتـثـال تـكـاليـف ديـنـى و مـخـصـوصـا انـفـاق در راه خـدا كـه مـايـه قـوام امـر جـهـاد اسـت تـثاقل ورزيدند، و آكگاه ايشان را به اهل كتاب تشبيه كرد كه در اثر طولانى شدن مهلت خـدا بـه آنـان دلهـايـشان دچار قساوت گرديد، اينك در اين آيات غرض الهى از فرستادن رسـولان و نـازل كردن كتاب و ميزان همراه ايشان را بيان كرده ، مى فرمايد: غرض از اين ارسـال رسـل و انـزال كـتـب ايـن بـود كـه انبيا مردم را به عدالت عادت دهند، تا در مجتمعى عـادل زندگى كنند، و آهن را نازل كرد تا بندگان خود را در دفاع از مجتمع صالح خود و بسط كلمه حق در زمين بيازمايد، علاوه بر منافع ديگرى كه آهن دارد، و مردم از آن بهره مند مى شوند.
آنگاه فرمود كه نوح و ابراهيم (عليه السلام ) را فرستاد، و نبوت و كتاب را در ذريه آن دو بـزرگـوار قـرار داد، و يـكـى پـس از ديـگـرى رسـولانـى گسيل داشت ، و اين سنت همچنان در تمامى امت ها استمرار يافت ، و نتيجه كار همواره بود كه عده اى از مردم راه حق را يافته ، اكثريتى از ايشان فاسق شدند، و سپس سوره را با دعوت مردم به اين معنا ختم مى كند
ايمان خود را تكميل كنند، تا از رحمت خدا دو چندان عايدشان گردد.

**پیوست 2**

كلمه مصيبت به معناى واقعه و حادثه اى است كه به انسان يا هر چيز اصابت كند، و اسـم فـاعـل از مـصـدر اصـابـت اسـت ، و از اصـابه تير هدف گرفته ، و هر چند اصابه حـادثـه از نـظـر مـفهوم اعم است ، هم شامل اصابه حوادث خير مى شود و هم اصابه حوادث شر، و ليكن استعمال آن در شر غلبه دارد، در نتيجه هر وقت كلمه مصيبت اطلاق شود بـلاء و گـرفتارى به ذهن تبادر مى كند، و در آيه مورد بحث هم به همين معنا است ، و مراد از مـصـيـبـتى در زمين و از ناحيه آن به انسان ها مى رسد قحطى و آفت ميوه ها و زلزله هاى ويـرانـگـر و امـثال آن است ، و مراد از مصيبتى كه جان آدمى روى مى آورد بيمارى و جراحت و شـكـسـتـن اسـتـخـوان و مـردن و كـشـتـه شـدن و امـثـال آن اسـت ، و مـراد از بـرء كـه مـصـدر فـعـل نـبـراهـا اسـت خـلقـت از عـدم اسـت ، و ضـمـيـر در فعل مذكور به مصيبت بر مى گردد.
ولى بعضى از مفسرين گفته اند: ضمير مذكور به انفس برمى گردد.
و بعضى ديگر گفته اند: به كلمه ارض
و بـعـضى ديگر گفته اند: به همه اين سه كلمه ،ارض و انفس و مصيبت برمى گردد.
مـؤ يد احتمال اول كه همان برگشتن ضمير به مصيبت باشد اين است كه مقام آيه مقام بيان مـصـائبـى اسـت كـه در دنـيـا واقـع مـى شـود، و بـاعـث نـقـصـى در امـوال و انـفـس مى گردد، و اين نيز باعث مى شود كه مردم از انفاق دست برداشته ازشركت در جهاد تخلف كنند.
و مـراد از كـتـاب لوحـى اسـت كـه در آن هـمـه آنـچه بوده و هست و تا قيامت خواهد بود نوشته شده ، همچنان كه آيات و روايات هم بر آن دلالت دارد، و اگر از ميان مصائب تنها بـه آنـچـه از زمـيـن و از وجـود خـود انـسـان ها ناشى مى شود اكتفا كرد براى اين بود كه گفتگو درباره آنها بود.
بعضى از مفسرين گفته اند: اگر مصيبتى را مقيد كرد به قيد در زمين و در انفس ،
بـراى ايـن بود كه مطلق مصائب در لوح محفوظ نوشته نشده ، چون لوح متناهى است ، ولى حـوادث نـامـتـنـاهـى اسـت ، و معلوم است كه متناهى گنجايش آن را ندارد كه ظرف غير متناهى شود.
و از ايـن گـفـتـار پـيـداسـت كـه صـاحـب گـفـتـار لوح را يـك لوحـى فـلزى و امـثال آن گرفته ، كه در ناحيه اى از نواحى جو آويزان است ، حوادث را با يكى از لغات يـا فـارسى يا عربى يا غير آن در آن نوشته اند، و با خطى نوشته اند كه ما مقاصد خودمان را با آن مى نويسيم ، ولى ما در سابق لوح و قلم را معنا كرديم و به زودى تتمه اى نيز از نظر خواننده خواهد گذشت .
بـعـضـى هـم دربـاره كـتـاب گفته اند كه : مراد از آن علم خداى تعالى است ، ولى اين معنا خلاف ظاهر است ، مگر اينكه منظورشان از علم همان كتابى باشد كه حوادث كه مراتبى از علم فعلى خداست در آن نوشته شده است .
آيـه شريفه با جمله ان ذلك على اللّه يسير ختم شده ، تا دلالت كند بر اين تقدير حوادث قبل از وقوع آن ، و راندن قضاى حتمى آن براى خداى تعالى صعوبتى ندارد.

**پیوست 3**

|  |  |
| --- | --- |
| آیات سوره مبارکه تغابن | ترجمه |
| بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏ يُسَبِّحُ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَديرٌ (1) | به نام خداوند بخشنده مهربان‏آنچه در آسمانها و زمين هست، تسبيح خدا گويند. مالكيت از اوست. |
| هُوَ الَّذي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ (2) | اوست كه شما را آفريده. گروهى از شما كافريد و گروهى با ايمان و خدا به آنچه انجام مى‏دهيد، بيناست. |
| خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَ إِلَيْهِ الْمَصيرُ (3) |  آسمانها و زمين را بر اساس حق آفريد و شما را به بهترين صورت تصوير كرد و بازگشت به سوى اوست. |
| يَعْلَمُ ما فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَعْلَمُ ما تُسِرُّونَ وَ ما تُعْلِنُونَ وَ اللَّهُ عَليمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ (4) |  خدا از آنچه در آسمانها و زمين است و از پنهان كاريهاى شما و كارهاى آشكارتان آگاه است و نيز خدا از اسرار دلها با خبر است. |
| أَ لَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذاقُوا وَبالَ أَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ (5) |  آيا خبر آنهايى كه پيش از شما كافر شدند، براى شما نيامد كه طعم لغزشهاى خود را چشيدند و براى آنها عذاب دردناكى خواهد بود؟! |
| ذلِكَ بِأَنَّهُ كانَتْ تَأْتيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَقالُوا أَ بَشَرٌ يَهْدُونَنا فَكَفَرُوا وَ تَوَلَّوْا وَ اسْتَغْنَى اللَّهُ وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَميدٌ (6) |  اين، به خاطر آن بود كه پيامبرانشان با دلايل روشن به سراغ آنان رفتند و آنها در جواب گفتند: آيا بشرى مى‏خواهد ما را هدايت كند؟ در نتيجه، كافر شدند و روى برگرداندند، در حالى كه خداوند بى‏نياز بود و خدا بى‏نياز و ستوده است. |
| زَعَمَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلى‏ وَ رَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِما عَمِلْتُمْ وَ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسيرٌ (7) |  كافران گمان كردند كه هرگز در قيامت مبعوث نمى‏شوند. بگو: آرى به پروردگارم سوگند، همه شما مبعوث مى‏شويد و بعد از آنچه انجام داده‏ايد، به شما خبر مى‏دهند و اين كار، براى خدا آسان است. |
| فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذي أَنْزَلْنا وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ (8) |  بنا بر اين به خدا و رسول او و نورى كه نازل كرديم، ايمان بياوريد كه خدا به آنچه مى‏كنيد آگاه است. |
| يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذلِكَ يَوْمُ التَّغابُنِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صالِحاً يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئاتِهِ وَ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها أَبَداً ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ (9) |  قيامت روزى است كه همه شما را در آن روز جمع مى‏كنيم. آن روز، روز آشكار شدن غبن‏هاست و هر كسى به خدا ايمان بياورد و كار پسنديده انجام دهد، خدا گناهانش را مى‏پوشاند و او را وارد بهشتى مى‏كند كه از زير درختان آن نهرها جارى است و براى هميشه در آن مى‏ماند، اين است رستگارى بزرگ. |
| وَ الَّذينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا أُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ خالِدينَ فيها وَ بِئْسَ الْمَصيرُ (10) |  و آنانى كه كافر شدند و آيات ما را تكذيب كردند، ياران آتشند و براى هميشه در آن مى‏مانند كه بد جايگاهى است. |
| ما أَصابَ مِنْ مُصيبَةٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَليمٌ (11) |  هيچ مصيبتى واقع نمى‏شود جز به اجازه پروردگار و هر كسى به خدا ايمان آورد، خداوند دلش را هدايت مى‏كند كه خدا به همه چيز آگاه است. |
| وَ أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّما عَلى‏ رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبينُ (12) |  از فرمان خدا و رسول اطاعت كنيد. بنا بر اين اگر روى برگردانيد، وظيفه رسول ما جز تبليغ آشكار نيست. |
| اللَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (13) |  خدايى كه جز او خدايى نيست و اهل ايمان بايد فقط به خدا توكل كنند. |
| يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْواجِكُمْ وَ أَوْلادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِنْ تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ (14) |  اى اهل ايمان! بعضى از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند. از آنها دورى كنيد و اگر گذشت كنيد و چشم بپوشيد و ببخشيد، خدا بخشنده و مهربان است. |
| إِنَّما أَمْوالُكُمْ وَ أَوْلادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظيمٌ (15) |  ثروت و فرزندان شما، فقط وسيله امتحان شمايند و پاداش بزرگ نزد پروردگار است. |
| فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ اسْمَعُوا وَ أَطيعُوا وَ أَنْفِقُوا خَيْراً لِأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (16) |  تا مى‏توانيد از خدا بترسيد و گوش فرا دهيد و اطاعت كنيد و انفاق نماييد كه براى شما بهتر است و هر كسى نفس خويش را از بخل و حرص حفظ كند، آنها رستگارانند. |
| إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَليمٌ (17) |  اگر قرض نيكو به خدا دهيد، خداوند آن را براى شما چند برابر مى‏كند و از گناه شما مى‏گذرد كه خدا شكور و بردبار است. |
| عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ الْعَزيزُ الْحَكيمُ (18) |  هم او كه آگاه به غيب و شهود و مقتدر و حكيم است. |

آیات 1 تا 10

اين سوره از نظر سياق و نظم شبيه به سوره حديد است ، و گويى خلاصه اى از آن است ، و غـرض سـوره ايـن اسـت كـه مـومـنين را تشويق و تحريك كند به اينكه در راه خدا انفاق كـنـنـد، و غـرض ديـگرش اين است كه ناراحتى ها و تاسف هايى كه در اثر هجوم مصائب در دلهـاشان نشسته برطرف سازد، و نويد دهد كه اگر در راه ايمان به خدا و جهاد در راه او و انفاق در آن راه مشقاتى را متحمل مى شوند، همه به اذن خدا است .
و آيـاتـى كـه در صدر سوره واقع شده جنبه مقدمه و زمينه چينى براى بيان اين غرض را دارد، در آن آيـات بـيـان مـى كـنـد كـه اسـمـاى حسنى و صفات علياى خدا اقتضا مى كند كه بـراى بـشـر بـعـث و بـازگـشـتـى فـراهـم سـازد، تا همه به سويش برگردند و در آن بـازگـشـت اهـل ايـمـان و عـمـل صـالح بـه سـوى بـهـشـت جـاودان هـدايـت شـونـد، و اهـل كـفر و تكذيب به سوى آتش ابدى رانده شوند، پس اين مطالب مقدمه چينى است براى آيـات بعد كه مى فرمايد: بايد خدا و رسول را اطاعت كنيد و بر مصائب و نيز در برابر انفاق در راه خدا خويشتن دار باشيد، بدون اينكه از منع موانع متاثر و از ملامت شماتتگران بـيـمـى بـه خـود راه دهـيـد. و ايـن سـوره بـه شـهـادت سـيـاق آيـاتـش در مـديـنـه نازل شده .

آیات 11 تا 18

در ايـن آيـات به بيان غرض سوره شروع نموده است ، چون آياتى كه گذشت گفتيم همه جـنـبه مقدمه و زمينه چينى را دارد، و غرض ‍ سوره وادارى مردم به انفاق در راه خدا، و صبر در برابر مصائبى است كه در خلال مجاهدات در راه او مى بينند.
و در مـيـان هـمه اين اغراض اول مساءله مصيبت ها، و صبر در برابر آنها را ذكر فرموده تا ذهن شنونده براى تاثر از سفارشات بعدى به انفاق آماده تر و صافتر گردد، و ديگر عذرى باقى نماند.